

مشروطه در بزخ هرج و مرج

• سیده مرضیه حسینی
کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی
دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره) قزوین



• ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند
• حسین آبادیان
• تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ
اول، ۱۳۸۵، تعداد صفحه ۸۰۷

فاصله بین سقوط مشروطه تا وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از ادوار مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است. در این دوره وقایعی رخ داد که تبعات آن از بعد داخلی و خارجی، مشروطه ایران را به سرایشی سقوط فروغلتاند و در نهایت با ظهور رضاشاه که با دسایس انگلیس بر اریکه‌ی قدرت تکیه زد، طومار حکومت قاجار و مشروطه در هم پیچیده شد. اصول و موازین مشروطیت و مجلس وابسته به آن به دست استبداد رضاشاهی تعطیل شد تا بریتانیا این استعمار پیر بار دیگر سناریوی خود را که در جهت حفظ منافعش در ایران طراحی شده بود، به این کشور تحمیل کند. عصر مورد بحث که از اولتیماتوم روس و اشغال ایران توسط نیروی نظامی این کشور آغاز شد، دوره‌ی آشفتگی و هرج و مرج، بی‌ثباتی و فقر و بحران است. ایران آن روز یک کشور به‌واقع مشروطه نبود. نهاد سلطنت و ساختارهای کهن قدرت متلاشی شده بودند، اما هیچ ساختار کارآمد و نظم نوینی جایگزین نشده بود. به‌طور کلی فهم درستی از مشروطه و ملزومات آن وجود نداشت. در نتیجه کشور نه مشروطه بود با قوانین لازم الاجرای آن و نه استبدادی بود با ملزومات آن. در ایالات مختلف آشوب و هرج و مرج گفت‌مان مسلط بود و تمامیت ارضی به سرعت نقض می‌شد. اشغال کشور توسط روس و انگلیس بر این بی‌ثباتی می‌افزود. بی‌کفایتی احمدشاه که دست پرورده یأس و ترس ناصرالملک بود، به این اوضاع آشفته دامن می‌زد تا این که مشت آهنین رضاشاه این بار از آستین انگلیس بیرون آمد و کشور و مشروطه را در بهت و سکوت فرو برد. یکی از آثار جامعی که به خوبی این دوره و تحولات آن را مورد نقد و بررسی قرار داده، کتاب «ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند»، اثر دکتر حسین آبادیان است. نویسنده در فصول این کتاب با نگاهی تازه و نکته‌سنجی خاص، حوادث این دوره را کاویده و پرده از ابهامات بسیاری که از دید دیگر مورخین پنهان مانده کنار زده است. در این مقاله مختصر برآنیم تا فصول و محتوای این اثر را معرفی کنیم. در فصل اول این کتاب در باب سقوط مشروطه و نقش انگلیس و روس در آن سخن به میان آمده است. همچنین آرا و اندیشه‌های گروه مشخصی که از ابتدا سعی داشتند با ایجاد و دامن زدن به بحران‌های درون کشور، مقدمات ایجاد یک دولت زورمند را فراهم آورند، روشن شده است. هم‌چنین موضع‌گیری روزنامه‌ی آفتاب،

نخستین روزنامه ایران در دوره‌ی بعد از اولتیماتوم، که در واقع تربیون گروه مذکور بود، بیان شده است.^۱

فصل دوم به وضعیت ایران در دوره جنگ جهانی اول و نقض شدن اعلام بی‌طرفی از جانب این کشور توسط دول متخاصم و نقش گروه بحران ساز که عامدانه ایران را به عرصه جنگ کشاندند، اختصاص دارد. در فصل سوم تقریباً برای نخستین بار به صورت جامع و دقیق در مورد قحطی بزرگ و بحران نان در ایران (۱۳۲۹ هـ.ق) صحبت شده و بر اساس منابع موثق، نقش روس و انگلیس در این قحطی، ابعاد فاجعه در تهران و شهرستان‌ها، میزان مرگ و میر و همچنین نقش گروه‌های ذی‌مدخل داخلی در ایجاد و دامن زدن به بحران تشریح شده است. فصل چهارم بیانگر چگونگی عملکرد احزاب سیاسی و مطبوعات وابسته به آن‌ها بخصوص در بحبوحه جنگ جهانی اول است. در این قسمت دو حزب دموکرات تشکیلی و ضد تشکیلی و نقش آن‌ها در بحران سازی و حوادث این مقطع بررسی شده است. بعد از خواندن این فصل و دقت نظر در فصول قبل، بر خواننده معلوم می‌شود که گروه بحران ساز در واقع همان دموکرات‌های ضد تشکیلی هستند که از محافل سیاسی بریتانیا خط می‌گرفتند تا کشور را در بحران نگه دارند و از این طریق منافع این کشور در ایران را تأمین نمایند.^۲

این گروه، پست‌های حساس مملکتی را در وزارت‌خانه‌های مختلف اشغال می‌کردند تا از طریق این اعمال نفوذ، مخالفین خود را کنار زنند و از ایجاد یک دولت کارآمد جلوگیری کنند. در فصل پنجم به تحلیل و بررسی چگونگی تشکیل کمیته مجازات، اهداف این تشکیلات و پایان کار آن‌ها توجه شده است. نویسنده با نگاه تازه‌ای به این مسأله، توضیح می‌دهد که این گروه انقلابی نبودند بلکه مؤسسان کمیته و وابستگان به آن سعی داشتند با ابزار ترور، فضای آکنده از رعب و وحشت در بین مردم بوجود آورند و از این طریق مخالفین خود را از سر راه بردارند و کشور را در حالت بحران نگه دارند. نوک تیز حملات آن‌ها متوجه دولت و ثوق الدوله بود که سعی داشت کابینه‌ای قدرتمند تشکیل دهد و بحران را مهار کند.^۳

فصل ششم کتاب اوضاع روسیه بعد از انقلاب بلشویکی را تشریح می‌کند و این که چطور ایران به خاطر ترس خیالی از بلشویسم که ناشی از تبلیغات بریتانیا بود، نتوانست از این فرصت استفاده کند و خود را از تسلط دول بیگانه رها سازد. قرارداد ۱۹۱۹ بین انگلیس و ایران، در دوره وثوق الدوله موضوع فصل هفتم است. نویسنده با توضیح بستری که قرارداد در چارچوب آن بسته شد، روشن می‌سازد که این قرارداد ابتدا حاصل اختلافات میان محافل سیاسی و اقتصادی بریتانیا بود. در بین سیاستمدارانی که وابسته به سیاست رسمی بریتانیا بودند و امور ایران را از لندن اداره می‌کردند و کسانی که مرکز سیاست گذاری‌هایشان حکومت هند بود، بر سر حفظ منافع بریتانیا در ایران اختلاف وجود داشت.^۴

لرد کرزن عامل اصلی قرارداد، که وابسته به دیپلماسی رسمی بریتانیا بود، اعتقاد داشت که می‌بایست از طریق اجرای مفاد این قرارداد، منافع بریتانیا تأمین شود اما صاحبان سرمایه در حکومت هند انگلیس

با تمایندگی افرادی چون مونتگ و چرچیل اعتقاد داشتند در ایران باید یک دولت ملی با هدف ایجاد نظم و ثبات و با هزینه‌ی خود ایرانی‌ها تأسیس شود تا ضمن محافظت از منافع نفتی بریتانیا، هزینه‌ای را بر مایه‌ی انگلیس تحمیل نکند.^۵

در نهایت حرف کرزن به کرسی نشست؛ اما به دلیل مخالفت‌های داخلی و خارجی قرارداد شکست خورد تا سیاست‌های امپریالیستی کرزن به نتیجه نرسد. شیخ خزعل و نقش خاندان او در تحولات خوزستان و حفظ منافع بریتانیا در این خطه در فصل هشتم بررسی شده است. نهایتاً فصل نهم راجع به یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر ایران، یعنی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ است؛ که با دخالت مسلم بریتانیا و همکاری گروه‌های افراطی داخلی به انجام رسید تا از دل این کودتا، دیکتاتوری ظهور کند و بساط بقایای مشروطه را برچیند. نویسنده کودتای سوم اسفند را ناشی از همان اختلاف دیرینه در میان محافل سیاسی بریتانیا می‌داند. وقتی که وزارت امور خارجه و کرزن نتوانستند نقشه خود را برای قبضه کردن ایران در قالب قرارداد ۱۹۱۹ اجرا کنند، نوبت حکومت هند انگلیس بود که شانس خود را بیازماید. رضاخان همان مرد زورمندی بود که وزارت جنگ، خزانه‌داری، اداره هندوستان نورمن وزیر مختار انگلیس و آبرون سایید در جستجویش بودند.^۶

در این فصل از چگونگی به قدرت رسیدن رضاشاه، سرکوب نهضت جنگل و قیام خیابانی صحبت شده است.

مزایای کتاب

از مزایای این اثر شیوه استفاده از منابع است. نگارنده سعی کرده در تدوین اثر خود نخست روزنامه‌های دوره بعد از مشروطه تا کودتای سوم اسفند را مورد توجه قرار دهد. اهمیت استفاده از روزنامه‌ها در این است که صاحبان این جراید در آثار خود اسرار زیادی را فاش کرده‌اند که در دیگر منابع یافت نمی‌شود. استفاده از اسناد انگلیس و ایران که در جای خود حایز اهمیت است در اولویت بعدی قرار دارد. ویژگی دیگر، نگاه تازه و عمیقی است که نویسنده با اتکا بر منابع به حوادث و وقایع دارد و براساس آن این وقایع را تحلیل می‌کند این نکته به خوانندگان این امکان را می‌دهد تا از بطن حوادث و دلایل بنیادین وقوع آن‌ها مطلع شوند. پیوستگی و ارتباط بین مباحث و فصول کتاب مزیت دیگری است که نویسنده جریان‌های تاریخی را با تکیه بر یک نظریه واحد در یک خط مشخص تحلیل و بررسی می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. آبادیان، حسین، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۸۹-۹۵.
۲. همان؛ ص ۳۰۶.
۳. همان؛ ص ۳۸۵.
۴. همان؛ ص ۴۹۶.
۵. همان؛ صص ۵۴۳ - ۵۴۱.
۶. همان؛ ص ۶۷۳.